

[شرائط مکان مصلی 2](#_Toc34778271)

[شرط ششم 2](#_Toc34778272)

[بررسی أقوال در تزاحم بین قیام و بین رکوع و سجود اختیاری 2](#_Toc34778273)

[قول أول (تعیّن قیام) 2](#_Toc34778274)

[قول دوم (تعیّن رکوع و سجود اختیاری) 2](#_Toc34778275)

[قول سوم (تخییر) 2](#_Toc34778276)

[وجه قول سوم 3](#_Toc34778277)

[وجوه قول أول (تعیّن نماز ایستاده) 3](#_Toc34778278)

[وجه أول (تقدیم أسبق زمانی در تزاحم) 3](#_Toc34778279)

[مناقشه 3](#_Toc34778280)

[وجه دوم (اطلاق صحیحه جمیل) 4](#_Toc34778281)

[مناقشه 4](#_Toc34778282)

[وجه سوم (أدله خاصه) 4](#_Toc34778283)

[1-صحیحه علی بن یقطین 5](#_Toc34778284)

[2-صحیحه حلبی 5](#_Toc34778285)

[3-مقتضای مفاد برخی روایات 6](#_Toc34778286)

[4-صحیحه حماد بن عثمان 7](#_Toc34778287)

[مناقشه 7](#_Toc34778288)

[1-مناقشه در استدلال به صحیحه علی بن یقطین 7](#_Toc34778289)

[2-مناقشه در استدلال به صحیحه حلبی 8](#_Toc34778290)

**موضوع**: شرائط مکان مصلی /مکان مصلی /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرائط مکان مصلی بود و در جلسه قبل، شرط چهار و پنج به پایان رسید و وارد شرط ششم شدیم.

# شرائط مکان مصلی

# شرط ششم

السادس أن يكون مما يمكن أداء الأفعال فيه‌ بحسب حال المصلي فلا يجوز الصلاة في بيت سقفه نازل بحيث لا يقدر فيه على الانتصاب أو بيت يكون ضيقا لا يمكن فيه الركوع و السجود على الوجه المعتبر نعم في الضيق و الاضطرار يجوز و يجب مراعاتها بقدر الإمكان و لو دار الأمر بين مكانين في أحدهما قادر على القيام لكن لا يقدر على الركوع و السجود إلا مومئا و في الآخر لا يقدر عليه و يقدر عليهما جالسا فالأحوط الجمع بتكرار الصلاة و في الضيق لا يبعد التخيير.

**بحث در فرمایش صاحب عروه بود که فرمودند**: اگر مکانی که بتوانیم در آن قیام و رکوع و سجود اختیاری را انجام دهیم پیدا نکردیم و أمر دائر باشد بین این که به مکانی برویم که فقط می توانیم قیام کنیم و امکان رکوع و سجود اختیاری نباشد و باید ایماء به رکوع و سجود کنیم و بین مکانی که قادر بر رکوع و سجود اختیاری هستیم ولی قادر بر قیام نیستیم و باید نشسته نماز بخوانیم؛ ایشان فرمودند اگر در سعه وقت است و امکان احتیاط به تکرار نماز در هر دو مکان باشد احتیاط واجب این است که نماز را تکرار کند و اگر وقت ضیق بود یا امکان تکرار نماز در هر دو مکان نبود، بعید نیست که مخیّر است در هر کدام از این دو مکان نماز بخواند.

## بررسی أقوال در تزاحم بین قیام و بین رکوع و سجود اختیاری

**عرض کردیم در این مسأله سه قول مطرح است؛**

## قول أول (تعیّن قیام)

**قول أول این است که:** واجب است نماز ایستاده با ایمای به رکوع و سجود را اختیار کند و این نماز حتّی با فرض تمکّن از تکرار، مجزی است.

## قول دوم (تعیّن رکوع و سجود اختیاری)

**قول دوم این است که:** واجب است نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری بخواند.

## قول سوم (تخییر)

**قول سوم این است که:** حتّی در سعه وقت مخیّر است و این قول سوم قول مرحوم خویی بود.

### وجه قول سوم

**وجه قول به تخییر این است که**؛ در واجب ارتباطی واحد مثل نماز، اگر انسان از جمع بین دو جزء یا دو شرط آن متمکّن نبود، نظر صحیح این است که به قواعد تزاحم رجوع نمی شود زیرا تزاحم در دو تکلیف استقلالی است و در اینجا تنها یک تکلیف به نماز داریم و اگر دلیل ثانوی «الصلاة لاتسقط بحال» نمی بود بیان می کردیم که به خاطر عجز از نماز تام، تکلیف ساقط است ولی به خاطر این دلیل ثانوی متوجّه می شویم که این شخص در این حال مکلّف به نماز ناقص است و اطلاق دلیل «یجب القیام فی الصلاة» اقتضا می کند که قیام، شرط تعیینی باشد و لذا با اطلاق دلیل «یجب الرکوع الاختیاری، یجب السجود الاختیاری فی الصلاة» که اقتضا می کند در این نماز، رکوع و سجود اختیاری واجب باشد، تعارض می کند و چون امکان جعل شرطیّت تعیینیه برای قیام و جزئیت تعیینیه برای رکوع و سجود اختیاری نسبت به مکلف در این حال وجود ندارد تنافی در این دو خطاب و تعارض بین دو خطاب رخ می دهد و بعد از تساقط به أصل برائت از شرطیّت تعیینی قیام و برائت از جزئیت تعیینی رکوع و سجود اختیاری رجوع می کنیم و نتیجه تخییر خواهد بود.

و این مبنا به نظر ما صحیح است و اگر قرینه خاصه ای بر تقدیم قیام یا بر تقدیم رکوع و سجود اختیاری نباشد مقتضای صناعت همین قول به تخییر است.

### وجوه قول أول (تعیّن نماز ایستاده)

**در رابطه با قول به تعیّن نماز ایستاده وجوهی ذکر شده است:**

#### وجه أول (تقدیم أسبق زمانی در تزاحم)

**یک وجه این بود که:** در فرض عجز از جمع بین دو جزء یا دو شرط نماز باید قواعد تزاحم اعمال شود که نظر مشهور از جمله محقق نائینی است و یکی از مرجّحات باب تزاحم، سبق زمانی است و ابتدای نماز زمان امتثال قیام است که زمانش اسبق از زمان امتثال به رکوع و سجود است.

##### مناقشه

**ما در جواب این وجه بیان کردیم که؛**

**أولاً:** ما در فرض عجز از جمع بین دو جزء یا دو شرط واجب ارتباطی مثل نماز، جریان قواعد تزاحم را قبول نداریم.

**ثانیاً:** اگر هم قبول کنیم که قواعد باب تزاحم جاری می شود به نظر ما سبق زمانی مرجّح باب تزاحم نیست.

#### وجه دوم (اطلاق صحیحه جمیل)

وجه دوم این است که: در صحیحه جمیل آمده است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا حَدُّ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي قَاعِداً فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُوعَكُ وَ يَحْرَجُ وَ لَكِنَّهُ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ وَ لَكِنْ إِذَا قَوِيَ فَلْيَقُمْ[[1]](#footnote-1).

معیار را در این صحیحه این قرار داد که هر کسی قادر بر قیام است واجب است قیام کند و این روایت اطلاق دارد و شامل فرضی که متمکّن از رکوع و سجود اختیاری نباشد و با اشاره نماز بخواند، می شود.

##### مناقشه

**جواب از استدلال به صحیحه جمیل این است که:**

**أولاً:** این صحیحه در مقام بیان حدّ کسی است که وظیفه او از قیام به جلوس منتقل می شود که می فرماید معیار انتقال وظیفه از قیام به جلوس مطلق مرض نیست بلکه ناتوانی از قیام است و تا از قیام ناتوان نشود این مریض باید به صورت ایستاده نماز بخواند و ناظر به این فرض ها (که مثلاً بین قیام و رکوع و سجود اختیاری تزاحم شده است) نیست و تنها حدّ مرضی که موجب انتقال وظیفه از قیام به جلوس در نماز است را بیان می کند.

**ثانیاً:** اطلاق «اذا قوی فلیقم» با اطلاق أمر به رکوع و سجود تعارض می کند؛ همان طور که دلیل وجوب قیام اطلاق دارد دلیل وجوب رکوع و سجود اختیاری (ارکعوا و اسجدوا) نیز اطلاق دارد

#### وجه سوم (أدله خاصه)

**آقای سیستانی فرموده اند**: برای قول به تعیّن قیام می توانیم به أدله دیگری تمسّک کنیم و لذا ایشان به عنوان وجه سوم به أدله خاصه بر تعیّن اختیار نماز ایستاده با ایمای به رکوع وسجود، تمسّک کرده اند و بر اساس آن فتوا داده اند که اگر أمر مکلف دائر بین نماز ایستاده با ایمای به رکوع و سجود و بین نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری در نماز نشسته، باشد متعیّن است که نماز ایستاده با ایمای به رکوع و سجود بخواند.

**أدله‌ی خاصه ای که ایشان ذکر می کنند را بیان می کنیم؛**

#### 1-صحیحه علی بن یقطین

دلیل أول صحیحه علی بن یقطین است: فَأَمَّا مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّفِينَةِ لَمْ يَقْدِرْ صَاحِبُهَا عَلَى الْقِيَامِ أَ يُصَلِّي فِيهَا وَ هُوَ جَالِسٌ يُومِئُ أَوْ يَسْجُدُ قَالَ يَقُومُ وَ إِنْ حَنَى ظَهْرَهُ.[[2]](#footnote-2)

علی بن یقطین می فرماید که از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم که شخصی سوار کشتی شده است و نمی توان نماز ایستاده بخواند و در کشتی قادر بر قیام نیست آیا در کشتی در حالی که نشسته است نماز بخواند و در نماز نشسته یا ایمای به سجود کند و یا اگر می تواند سجده کند؟ حضرت فرمودند: نه، در نماز ولو با حالت انحنای ظهرش بایستد و اگر راست نمی تواند بایستد به صورت منحنی بایستد.

**آقای سیستانی فرموده اند**: اطلاق «یقوم و ان حنی ظهره» شامل جایی که این شخص متمکّن از سجود اختیاری در حال قیام نباشد نیز می شود زیرا سائل فرض کرده است که چه بسا در حال قیام هم متمکّن از سجود نباشد و تعبیر به «یومئ أو یسجد» کرده است و لذا در حال قیام هم یک فرض این است که متمکّن از سجود نباشد و با این حال حضرت فرمودند نماز ایستاده بخواند که اطلاقش اقتضا می کند که ولو با ایمای به سجود به صورت ایستاده نماز می خواند. و هر چند این روایت در رابطه با سجود است ولی بین رکوع و سجود فرقی نیست و نکته واحد است. و لذا نماز ایستاده با ایمای به رکوع و سجود بر نماز نشسته ولو با رکوع و سجود اختیاری مقدم است.

#### 2-صحیحه حلبی

دلیل دوم ایشان صحیحه حلبی است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ قَالَ يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ.[[3]](#footnote-3)

در روایت از مریض در صورتی که نتواند بایستد و نتواند سجده کند؟ حضرت فرمودند به سجده اشاره می کند.

در این روایت در ابتدا دو احتمال وجود دارد: یک احتمال این است که مریض نه قادر بر قیام و نه قادر بر سجود است و لذا وظیفه اش این است که بنشیند و برای سجده ایماء کند. احتمال دوم این است که مریض قادر بر جمع بین قیام و سجود با هم نیست و طبق این احتمال دوم استدلال به این روایت تمام است و حضرت اختیار کرده اند که این شخص با ایمای به سجود قیام کند.

و احتمال دوم از احتمال أول، أرجح است زیرا اگر فرض در روایت این بود که این شخص نه بر قیام و نه بر سجود قادر نیست مناسب بود حضرت در جواب بفرمایند «یجلس و یومئ برأسه» در حالی که حضرت اشاره ای به جلوس نکرده اند و این مطلب، مرجّح احتمال دوم است و استدلال به این روایت تمام است.

#### 3-مقتضای مفاد برخی روایات

دلیل سوم ایشان روایاتی است که مفادش این است که قادر بر قیام در نماز، قیام می کند و اگر قادر بر قیام نیست نشسته نماز می خواند؛ که مقتضای این روایات این است که قیام بر جلوس مقدم است.

محقق همدانی فرموده اند: ظاهر روایات که بیان می کند «کسی که قادر بر قیام است نماز ایستاده بخواند» قیام متعارف است که مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری است در حالی که فرض محل بحث جایی است که اگر این شخص قیام کند دیگر قادر بر رکوع و سجود اختیاری نیست و لذا روایات از این فرض، منصرف است.

آقای سیستانی در جواب فرموده اند: قیام متعارف، قیامی نیست که مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری است و در روایت راجع به شخصی که عریاناً نماز می خواند تعبیر «یصلی قائما مومیا إلی الرکوع و السجود» بیان شده است و لذا قیام متعارف، منصرف به قیام مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری نیست و امام علیه السلام در این روایات به طور مطلق می فرمایند هر کس می تواند بایستد و نماز بخواند و اگر نمی تواند بنشیند و این روایات مطلق است و یک فرض آن جایی است که می تواند قیام کند ولی متمکّن از رکوع و سجود اختیاری نیست و اطلاق روایات این فرض را شامل می شود؛ مخصوصاً این که برخی از روایات در مورد کسی است که سوار بر کشتی است و متعارف است که انسان نتواند رکوع و سجود اختیاری را انجام دهد به این خاطر که در حال قیام نمی تواند تعادل خود را حفظ کند و لذا اطلاق این روایات محکّم است و این روایات در مقام بیان وظیفه مؤمنین بوده است و الغای خطاب مطلق در مقام بیان وظیفه مؤمنین و این که بگوییم مراد ما کسی است که می تواند در حال قیام، رکوع و سجود اختیاری را انجام دهد، مستهجن است؛ اگر روایات در مقام تعلیم احکام کلیه به أصحاب می بود که در مقام تعلّم فقه بودند ممکن بود بگوییم که اطلاق قابل تقیید است؛ لکن چنین نیست و این روایات در مقام بیان وظیفه مردم و در مقام افتاء است و لذا اطلاق آن عرفاً قابل تقیید نیست و نمی توان بر جایی حمل کرد که شخص قادر بر قیام با رکوع و سجود اختیاری است.

#### 4-صحیحه حماد بن عثمان

دلیل چهارم ایشان صحیحه حماد بن عثمان است: عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَقَالَ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَإِذَا دَارَتْ فَاسْتَطَاعَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ فَلْيَفْعَلْ وَ إِلَّا فَلْيُصَلِّ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ قَالَ فَإِنْ أَمْكَنَهُ الْقِيَامُ فَلْيُصَلِّ قَائِماً وَ إِلَّا فَلْيَقْعُدْ ثُمَّ لْيُصَلِّ.[[4]](#footnote-4)

متعارف راجع به نماز در سفینه این است که انسان ایماءاً نماز می خواند (بلکه در برخی روایات تعبیر «الصلاة فی السفینة ایماءٌ» آمده است) و اگر با رکوع و سجود اختیاری نماز بخواند تعادلش به هم می خورد و به زمین می افتد و اماکن غرق شدن او است و لذا این روایت دلالت قوی دارد بر این که اگر شخص بتواند در کشتی بایستد نماز را ایستاده می خواند ولو به این که برای رکوع و سجود، ایماء کند.

این محصّل کلام آقای سیستانی است برای اثبات این مطلب که در فرض محل بحث، نماز ایستاده با ایمای به رکوع و سجود متعیّن است.

##### مناقشه

**به نظر ما این استدلال هایی که آقای سیستانی بیان فرموده اند قابل مناقشه است:**

##### 1-مناقشه در استدلال به صحیحه علی بن یقطین

أما استدلال ایشان به صحیحه علی بن یقطین [فَأَمَّا مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّفِينَةِ لَمْ يَقْدِرْ صَاحِبُهَا عَلَى الْقِيَامِ أَ يُصَلِّي فِيهَا وَ هُوَ جَالِسٌ يُومِئُ أَوْ يَسْجُدُ قَالَ يَقُومُ وَ إِنْ حَنَى ظَهْرَهُ.[[5]](#footnote-5)] صحیح نیست؛ زیرا در این روایت فرض نشده است که اگر این شخص نماز را ایستاده بخواند به رکوع و سجود ایماء می کند ولی اگر نشسته نماز بخواند رکوع و سجود اختیاری به جا می آورد بلکه فرض روایت این است که این شخص نمی تواند قیام کامل و با اقامه صلب انجام دهد و سؤال این است که «آیا بنشیند و نماز بخواند و نماز نشسته او گاهی همراه با ایمای به رکوع و سجود است و گاهی همراه با رکوع و سجود اختیاری است؟» که حضرت فرموده اند «بایستد ولو با حالت انحناء» ولی این که أمر دائر باشد بین این که در حال ایستاده ایمای به رکوع و سجود کند و بین این که در حال نشسته رکوع و سجود اختیاری انجام دهد، این فرض در این روایت مطرح نیست و این روایت ناظر به این جهت است که سؤال می شود کسی در کشتی سوار شده است و نمی تواند قیام کامل کند آیا جایز است نماز نشسته بخواند؟ حال در نماز نشسته ایمای به رکوع و سجود می کند یا رکوع و سجود اختیاری انجام می دهد بر اساس آنچه توانایی دارد؟ که حضرت فرموده اند نوبت به جلوس نمی رسد و با حالت انحناء قائماً نماز می خواند و فرض غیر متعارف محل بحث که در حال ایستادن نمی تواند بنشیند و سجده کند ولی در حال نشستن می تواند سجده کند این حالت غیر متعارف ملحوظ در این روایت نیست و چنین فرضی فرض غیر متعارف هم است که به ذهن افراد نمی آید و لذا أصلاً اطلاق روایت شامل این فرض نمی شود.

و بر فرض اطلاق این روایت شامل فرض محل بحث شود در مقابل نیز اطلاق دلیل وجوب رکوع و سجود نیز اقتضا می کند که شخصی که متمکن از رکوع و سجود است رکوع و سجود اختیاری را انجام دهد و لذا اطلاق این روایت با اطلاق دلیل وجوب رکوع و سجود تعارض می کند.

و این که آقای سیستانی فرموده اند «متعارف در کسی که سوار بر کشتی می شود این است که نماز ایستاده او با ایمای به رکوع و سجود باشد» را متوجّه نمی شویم: بله، شاید در قایق های کوچک این گونه باشد بلکه در چنین قایق هایی أصل ایستادن خطرناک است؛ أما در کشتی مخصوصاً کشتی های بزرگ که بارهای سنگین را حمل می کند چگونه می توان گفت که متعارف در کشتی در مورد کسی که نماز ایستاده می خواند این است که متمکّن از رکوع و سجود اختیاری نیست.

و لذا استدلال ایشان به صحیحه علی بن یقطین ناتمام است.

##### 2-مناقشه در استدلال به صحیحه حلبی

و أما استدلال ایشان به صحیحه حلبی [عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ قَالَ يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ[[6]](#footnote-6)] نیز تمام نیست: زیرا انصافاً ظاهر صحیحه این است که این شخص نه تمام قیام و نه تمام جلوس را ندارد وگرنه تعبیر می کرد «اذا لم یستطع القیام و السجود معاً» یا «اذا لم یستطع أن یجمع بین القیام و السجود» و لذا تعبیر به این که «مریضی که نمی تواند بایستد و سجده کند» لاأقل ظهور در این که قادر بر قیام به تنهایی و قادر بر سجود به تنهایی می باشد و قادر بر جمع بین این دو نیست، ندارد.

أما این که فرمودند «اگر راوی فرض کرده است که قادر بر قیام و قادر بر سجود نیست چرا حضرت به این شخص نفرمودند که جلوس کنند»؛ جواب این کلام این است که حضرت به وضوح مطلب واگذار کرده اند و واضح است که وقتی شخصی نمی تواند بایستد می نشیند أما این که نمی تواند سجده کند واضح نبوده است که باید چه کاری انجام دهد که حضرت بیان می کنند که بدل اضطراری سجود، ایماء است و لذا انصافاً این صحیحه حلبی ظهوری در فرمایش ایشان ندارد.

أما استدلال ایشان به روایاتی که مفادش این است که قادر بر قیام در نماز وظیفه اش قیام است که ایشان فرمودند اطلاق روایات بیان می کند که ولو در حال قیام، متمکّن از رکوع و سجود اختیاری نباشد را در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/فلیقم%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص455.](http://lib.eshia.ir/11002/1/455/حنی%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/یضع%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص297.](http://lib.eshia.ir/10083/3/297/فلیقعد%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص455.](http://lib.eshia.ir/11002/1/455/حنی%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/یضع%20) [↑](#footnote-ref-6)